

## عنوان مقاله:

بررسی روایت شناختی پدیدارشناسی روح هگل

## محل انتشار:

فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، دوره 22، شماره 88 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

## نویسندگان:

محمد مهدی اردبیلی - فارغ التحصیل دکترای فلسفه غرب، دانشگاه تبریز

سمیرا رشیدپور - دانشجوی دکترای ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی

## خلاصه مقاله:

روایت شناسی، علمی نوپاست که در دهه شصت قرن بیستم توسط نظریه پردازانی همچون ژرار ژنت و تزوتان تودورف ایجاد شد. این علم به طور مشخص به روش شناسی ساختار و روش روایت می پردازد و به طور عمده حوزه عملکردش ادبیات است. از سوی دیگر، پدیدارشناسی روح هگل یکی از بزرگترین آثار تاریخ فلسفه است که در آن، هگل به تعبیری، تمام دقایق و مراتب اندیشه و تاریخ بشری را بررسی کرده و همه آنها را به نحوی دیالکتیکی در بطن روح جای می دهد. موضوع این کتاب در یک کلام، همان گونه که از عنوانش پیداست، داستان پدیدار شدن روح است. در بیش از دو قرن که از انتشار این کتاب می گذرد، شرح ها و تفسیرهای متعدد و متنوعی در حوزه های مختلف درباره آن نوشته شده است. مقاله حاضر تلاش می کند تا صرف نظر از مباحث فلسفی و محتوایی، تمرکز خود را بر نوع پیشروی روایت و منطق حاکم بر آن معطوف کند و در نتیجه بتواند دست کم طرحی از چگونگی روایت شناسی وجوهی از پدیدارشناسی روح هگل و روش روایت گری این کتاب ترسیم کند. در نتیجه، این مقاله با تکیه بر تقسیم بندی های روایت شناختی، اثر هگل را از سه منظر راوی، روایت شنو (مخاطب) و روایت گری بررسی می کند و در هر مرحله نیز نشان می دهد که هگل افزون بر ابداعات متعدد و تعیین کننده فلسفی، چگونه و از چه لحاظی در زمینه روایت شناختی نیز دست به ابداعاتی خلاقانه، منحصر به فرد و حتی گاهی بی سابقه در تاریخ روایت بشری زده است.

## کلمات کلیدی:

پدیدارشناسی روح، روش شناسی، روایت شناسی، روایت گری، دیالکتیک، زمان

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1294221>

